



## گم گشتگی شرک گرایان

مهسا فاضلی

زمان بر او سنگین و دراز می‌گذرد. پریشانی و ترس بر وجودش مستولی شده و نومیدی و وحشت با سیمایی زشت به او روی می‌آورد. با هراسی وهم آلود از بالا به زمین نگاه می‌کند. با سرعت و شتابی که هر لحظه فزونی می‌گیرد به زمین، نزدیک می‌شود. نه وسیله ای برای فرود آمدن دارد و نه امیدی برای نجات. مرغان شکاری و عقاب‌های سیاه، بال‌های خود را در آسمان کبود گشوده و کوه‌ها و صخره‌های اطراف را دور می‌زنند و با چشمان تیز خود او را زیر نظر دارند تا شکار خود را میان آسمان و زمین با منقارهای قوی برابند و بدنش را تکه تکه کنند. اگر بخت با این انسان در مانده و روبه سقوط یاری کند و از چنگال تیز پرندگان مردار خوار رهایی یابد، تند باد سهمگین او را با خود به مکانی دور پرتاب می‌کند و در آن وادی دور دست و هولناک گرفتار هلاکت و نیستی می‌شود.

این وصف حال انسانی است که برای خدا شریک قائل می‌شود. ترسیم بسیار گویا و تشبیهی زنده است که قرآن از حال مشرکان و سرگردانی و سقوط آنان ارائه می‌کند. قرآن در آیه ۳۱ از سوره حج می‌فرماید: «...و من یشرك بالله فکأَما خَرَّ من السماء فتخطفه الطیرُ أو تهوی به الريحُ فی مکانٍ سحیقٍ» و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان (شکاری) او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است.

در این آیه، آسمان کنایه از توحید و شرک سبب سقوط از این آسمان است. انسان مؤمن و موحد با صعود به اوج آسمان پر فروغ ایمان و یکتاپرستی، از روشنایی و رفعت این مقام بهره‌مند می‌شود و بر عکس کسی که به شرک روی می‌آورد و تکیه گاه رفیع و بلند خود را از دست می‌دهد، از آسمان هدایت و نور دور می‌افتد و در چنگال هوا و هوس‌های سرکش گرفتار می‌شود که آنها هستی و سعادت او را نابود می‌کنند. انسان مشرک اگر در مسیر سرگردانی و حیرت، شکار شیطان نشود؛ گرفتار طوفان مرگبار وسوسه‌ها و گناهان می‌شود و با دوری از خدا و حق، اسیر شیاطین جن و انس، در وادی گمراهی، سرنوشتی جز هلاکت ندارد.